

کومله مردم بیگناه را به اتهام موهوم شرکت در جلسات ضد خلقی دستگیر کرده و بعضاً به قتل رسانده است

کومله و وابستگی سیاسی به امریکا و اروپا

کومله با اینکه آشکارا معتقد به مرام مارکسیستی بود اما چون در برابر نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته بود از همان سال‌های آغازین پیروزی انقلاب از حمایت بی‌دریغ کشورهای غربی و لیبرالیسم برخوردار بود. کومله با اینکه نظام جمهوری اسلامی را متهم به وابستگی می‌کرد و حتی به‌رغم شعار «مبارزه با امپریالیسم» تصرف لانه جاسوسی امریکا را «عوامفریبی» و حادثه طیس را «جنگ زرگری» خواند اما همواره در طول حیات خود وابستگی و رابطه مناسبی با دولت‌های غربی داشته است. وابستگی کومله به دولت‌های غربی هر سال گسترش یافته است، به‌طوری‌که برخی اعضای این سازمان، سال ۱۳۸۶ با سفر به امریکا و درخواست از پنتاگون، تلاش می‌کنند گوی سبقت را از رقیب خود یعنی حزب دموکرات برپایند. مهدی دیدار با مقامات ارشد سیاسی و امنیتی امریکا و اروپا را جزو برنامه‌های حزب کومله می‌داند و بر ملا شدن آن ابایی ندارد. اینکه به‌طور کلی کومله با دولت امریکا رابطه دارد یا نه، جواب مثبت است و ما تا به حال چندین بار با مقامات گوناگون دولت و نیز کنگره و سنای امریکا و همچنین شخصیت‌ها و تحلیلگران این کشور تماس و ملاقات داشته‌ایم و این را کتمان نکرده بلکه قبلاً هم اعلام کرده‌ایم و نه فقط ایرادی در آن نمی‌بینیم بلکه برقراری این نوع روابط با امریکا و اروپا را یکی از وظایف خودمان می‌دانیم که به حکم موقعیت و مسئولیت‌مان در جنبش کردستان و در دفاع از آن و به‌طور کلی در دفاع از جنبش دموکراسی‌خواهی سراسر کشور به آن اقدام می‌کنیم. از سوی دیگر، دولت امریکا نیز به حمایت مالی رسمی از کومله پرداخته است، گرچه حمایت امریکا از گروه‌های ایرانی مخالف جمهوری اسلامی امر جدیدی نیست.

مخالفت با ارتش

سازمان کومله بدین مطلب اذعان می‌دارد که خودمختاری مورد نظرشان با وجود برقراری رژیمی همچون جمهوری اسلامی قابل حصول نیست و نمی‌توان چنین انتظارات بلندبالایی از آن داشت، بلکه طلب کردن یک حکومت خودمختار محتاج به‌وجود حکومتی به رهبری طبقه کارگر است و با پیدایش یک نظام کمونیستی است که این خواست امری منطقی می‌شود. بنابراین طبیعی است که برقراری جمهوری اسلامی خود به خود مانعی است بر سر راه محقق شدن حقوق حقه خلق کرد و باید به هر ترتیب ممکن بساط این جمهوری را جمع کرد، زیرا به دست آوردن خودمختاری با آن شکل و شمایل مطلوب فقط و فقط در گرو تحقق بخشیدن به حکومت پرولتاریا و جمهوری دموکراتیک خلقی است و آن هم نیز به نوبه خود به انهدام نظام فعلی و از هم گسستن شیرازه آن است. کومله با ذهن گرایی و خیال‌پردازی بر اساس پندارهای بیگانه با روند انقلاب، فکر می‌کرد زمان موعود برای نتایج مطلوب آنها فرارسیده است. لذا در این پندارهای ایدئولوژیک و در پی تحریض نیروهای خود مدعی بود: «کردستان را موج‌های انقلاب به آنچنان حرکتی داداشته که پایه‌های رژیم می‌لرزد»؛ «ارتش نیز در آستانه انقلاب است و دیر یا زود به ما خواهند پیوست» (اما به فاصله یک ماه بعد به نتیجه‌ای کاملاً مغایر می‌رسند و آنچنان به تناقض گویی و تضاداندیشی می‌افتند که ارتش را دشمن نهایی خود به حساب می‌آورند و پیروزی تعیین‌کننده را موکول به انهدام ارتش می‌دانند. در اطلاعیه هفتم مهر ۵۸ کومله آمده است: «ارتش دشمن استراتژیک ماست، تا زمانی که ماشین دولتی و از آن جمله ارتش متلاشی نشود سخن از پیروزی نمی‌توان بر زبان آورد.» کومله در همین راستا به فراخوانی دیگر نیروهای همسو و هم هدف مبنی بر قیام در جهت متلاشی کردن جمهوری اسلامی پرداخت.

فرجامی نامعلوم

در آخرین روزهای فروردین ۱۳۹۰ دهها نفر از مردم شهرک «زرگويز» از توابع استان سلیمانیه عراق در اعتراض به غصب زمین‌های کشاورزی خود از سوی گروه کومله، اردوگاه و دفتر سیاسی این گروه را محاصره کردند. تظاهرکنندگان اعلام می‌کردند این گروه کمونیستی چندین سال است زمین‌های کشاورزی مردم روستا را غصب کرده است و روی زمین آنها ساختمان‌سازی کرده و اکنون باید به‌طور کامل این منطقه را ترک کند، اگرچه به دلیل رابطه برخی مقامات اقلیم کردستان عراق با کومله نمی‌توان برآیند روشنی از آینده این گروه در اطراف مرزهای ایران داشت، اما به نظر می‌رسد پس از قطعی شدن اخراج اعضای سازمان مجاهدین خلق از خاک عراق، چشم‌انداز بیرون راندن این گروه تروریستی از منطقه کردستان بیش از گذشته روشن شده باشد. فعالیت تروریستی گروه‌هایی مانند کومله و حزب دموکرات کردستان ایران را بیش از آن که فعالیت‌ی قوم‌مدارانه بدانیم باید رفتاری قدرت‌طلبانه از پایی کنیم که برای مشروعیت بخشی به خویش از مطالبات قومی بهره می‌برند. این واقعیت را بویژه می‌توانیم در جنگ قدرتی که آنها با یکدیگر داشته‌اند نیز مشاهده کنیم. سران این گروه‌ها به‌طور پیوسته بر سر کسب قدرت در کشمکش مداوم با یکدیگر بوده‌اند، گرچه این برخوردها غالباً در سطح و هیمنه ایدئولوژیک ظاهر شده ،اما واقعیت آن است که قدرت‌طلبی و تمایل به توسعه حوزه‌های نفوذ نظامی و سرزمینی در این میان نقش عمده‌ای ایفا کرده است. سابقه کشمکش‌های سیاسی و نظامی میان کومله و حزب دموکرات نمونه آشکار شکاف‌های موجود میان آنان است. هر دو گروه با دولت مرکزی مبارزه می‌کردند و مدعی بودند نماینده واقعی کردها هستند، اما در واقع درگیر یک جنگ قدرت با یکدیگر بودند. هر گروه دیگری را به همکاری با دولت و عوامل آن متهم می‌کرد اما در عین حال از همکاری با بیگانه ابایی نداشت. این کشمکش‌ها در چند دوره حتی به برخوردهای مسلحانه منجر شد که شدیدترین آنها در سال ۱۳۹۶ رخ داد. تنها در نتیجه درگیری‌های کومله و حزب دموکرات طی سال‌های ۵۸ تا ۹۵ حدود هشتصد نفر از طرفین کشته شدند البته پس از تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تغییر شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای اغلب گروه‌های تروریستی نیز به این واقعیت دست یافته‌اند که خشونت و تروریسم روش مناسبی برای پیگیری اهداف آنها نیست، لذا در این شرایط جدید، آنها گرچه به‌طور کامل از اقدامات تروریستی خود دست‌نشسته‌اند، اما به دلیل واقعیت و جبر فضای جدید، تلاش می‌کنند چهره خشن و تروریست خود را پنهان سازند و با چهره‌ای ظاهراً دموکراتیک سخن بگویند.

شکل‌گیری حزب کومله



شکل‌گیری رسمی حزب کومله اساساً به بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. قبل از انقلاب گروهی از دانشجویان کرد با گرویدن به مائوئیسم اعتقاد داشتند باید دهقانان کشور را در چهارچوب یک ساترالیسم یا مرکزیت سیاسی سازمان داد و حرکت قهری خود را از مناطق کردنشین ایران آغاز کرد. این دانشجویان تا قبل از انقلاب فعالیت چشمگیری نداشتند اما پس از انقلاب به تدریج در کردستان نضج گرفتند و معتقد بودند انقلاب اسلامی یک انقلاب سرمایه‌داری است و انقلاب واقعی همان انقلاب دهقانی است. این عده هسته اصلی حزب کومله (سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان) ایران را تشکیل دادند. «کومله» در زبان کردی به معنای «گروه و جمعیت» است. در مارکسیسم، موتور تحول جامعه



اقدام مسلحانه و تروریستی

گروه کومله نیز مانند بسیاری از گروه‌های چپ‌گرای هم دوره خویش دست به سلاح می‌برد و به رفتارهای تروریستی روی می‌آورد. هر چند پایگاه اصلی این گروه از سال ۱۳۹۰ به بعد و بر اثر کنترل اوضاع توسط دولت به خاک عراق منتقل می‌شود، اما رفتار تروریستی آنها همچنان ادامه می‌یابد. کاشتن مین بر سر راه پایگاه‌های نیروهای نظامی، اجرای کمین بر سر راه کاروان‌های نظامی، حمله شبانه به پایگاه‌های قوای انتظامی و نظامی، حمله به تأسیسات دولتی در شهرها و روستاها و نفوذ به شهرها و درگیر شدن با نیروهای امنیت شهری از تاکتیک‌های نظامی این حزب بود؛ به‌طور کلی کومله استراتژی خود را حمله چریکی و نامنظم تعریف کرده بود.

اسناد به دست آمده از خانه‌های تیمی این

پاندولیسم ایدئولوژیک و تشکیلاتی در کومله

تشکیلات و ایدئولوژی کومله از سال ۱۳۹۰ و پس از کنگره دوم با دگرگونی‌هایی مواجه بود که حاصل آن فعالیت این جریان تحت نام‌هایی مانند «اتحاد مبارزان کمونیست» و «حزب کمونیست ایران» طی دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ بود، البته در پایان دهه ۱۳۷۰ عبدالله مهدی تلاش کرد با احیای دوباره نام کومله، این حزب را بازسازی کند. پس از کنگره دوم، کومله در فروردین ۱۳۹۰ در ائتلاف با گروه «سهند اتحاد مبارزان کمونیست» را تشکیل داد؛ تشکیلاتی که خود را ارائه‌دهنده نظریه «مارکسیسم انقلابی» می‌دانستند. در پاییز ۹۱ اتحادیه مبارزان کمونیست کنگره اول خود را تشکیل داد و حزب کمونیست ایران در شهریور ۱۳۹۲ تشکیل شد و حزب کومله، شاخه کردستان حزب کمونیست ایران را بر عهده گرفت. تغییر مواضع، ایدئولوژی‌ها و

مسأله موسوم به خودمختاری

با پیروزی انقلاب اسلامی گروه کومله در کنار حزب دموکرات خواستار خودمختاری کردستان شدند و درصدد برآمدن کردستان را در کنترل نظامی خود بگیرند. این گروه‌ها در یک برنامه هشت ماده‌ای خواستار شناسایی رسمی خودمختاری کردستان در قانون اساسی جدید شدند و همچنین تأکید شده بود علاوه بر استان کردستان، سه استان دیگر یعنی آذربایجان غربی، ایلام و کرمانشاه هم بخشی از کردستان خودمختار محسوب شود. شورشیان مسلح با تصرف سنجندج و تشکیل شورای موقت انقلابی و شورش در مریوان، نقه‌د، بوکان، پاوه و سقز و دست زدن به جنایات و اقدامات خشونت‌آمیز، دولت را به واکنش واداشتند به نحوی که ارتش و نیروهای مردمی و پاسداران با هجوم به این شهرها به تنش‌آفرینی کردهای مسلح پایان دادند. کومله معتقد بود تمام امور از قانونگذاری، اجراییات، امور انتظامی و فرهنگی باید به‌طور کامل خارج از دسترس و کنترل جمهوری اسلامی باشد. شوراهای قانونگذاری و اجرایی را که کومله مطرح می‌کرد اساساً شوراهایی بود که باید تحت رهبری کمونیست‌ها باشد و تسلیح عمومی هم فقط تحت رهبری کمونیست‌ها قابل قبول است.

اهداف ایدئولوژیک و سیاسی کومله

کومله با داشتن گرایش مائوئیستی معتقد بود جمهوری اسلامی قطاری است که در همان ریل رژیم گذشته قرار دارد و جهت آن منطبق با جهتی است که دستگاه ضدخلق‌ی رژیم شاه دارا بود. آنها در اطلاعیه ۲۲ مرداد ۸۸ خود می‌نویسند: «ما معتقدیم که رژیم جدید ایران در کلیت خود دولتی است ضد کارگری، ضد دهقانی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک و با در جای پای کسانی می‌گذارد که به حکم تاریخ، سیلی سهمگین خشم توده را خورده‌اند.» هدف آرمانی کومله تأسیس حکومت مارکسیستی در سراسر ایران، البته از طریق قیام مسلحانه دهقانان بود و در راه رسیدن به این هدف امیدوار بود ابتدا از شورش دهقانان کردستان آغاز کند و سپس با بهره‌گیری از اختلافات و خصوصیات قومی، شورشی در تمام کشور بر پا کند.

کمک‌های مالی و حمایت رژیم صدام

این موضوع که برخی همسایگان و حکومت‌های منطقه‌ای سعی در دخالت در موضوعات داخلی ایران داشته‌اند تلاش کرده‌اند از برخی موضوعات مانند مسائل قومیتی در جهت منافع خود بهره ببرند مسأله‌ای امروزی نیست. در دوران صدام و رژیم یعنی نیز یکی از مسائل مرزی کشور در منطقه غرب محسوب می‌شد. در این میانه، کومله نیز که در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، این جنگ را جنگ بین دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق می‌دانست، در ابتدا با ظاهری وطن‌دوستانه برای ارتش رژیم بعث عراق خط و نشان می‌کشد که خلق قهرمان کرد می‌داند که رژیم کثیف بعثی عراق که هر روز دستش به خون جوانان انقلابی آنجا رنگین می‌شود نمی‌تواند دوست خلق کرد باشد؛ رژیمی که ده‌ها هزار نفر را آواره کرده، رژیمی که سال‌هاست هدیه‌اش به سرزمین کردستان عراق، ناپالم و اردوگاه اجباری است نمی‌تواند طرفدار خودمختاری کردهای ایران باشد. خلق کرد دشمن خود را می‌شناسد و علیه هر تجاوز بعثی به خاک ایران با تمام وجود مقابله می‌کند. در واقع از آنجا که کومله تصور نمی‌کرد این جنگ به درازا بینجامد برای حفظ ظاهر و تظاهر همراهی با مردم علیه عراق موضع گرفت، ولی اندکی بعد آشکارا آلت دست رژیم صدام شد و از ارتش بعث اسلحه و مهمات گرفت.

